



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی حکم دائم الحدث

موضوع جزئی: نماز خواندن مسلوس و مبطون با فرض فرصت موسع

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۵ آبان ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۹ ربیع الاول ۱۴۴۲

جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۳۴ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، با احتمال دادن فرصت موسع، احتیاط [واجب] این است که صبر کند [، یعنی اگر مسلوس یا مبطون احتمال داد که فرصتی پیش خواهد آمد که بتواند نمازش را با طهارت بخواند، احتیاط واجب این است که صبر کند و در آن فرصتی که پیش می آید نمازش را با طهارت بخواند]، بلکه احتیاط [واجب] این است که مسلوس یا مبطون اگر علم داشت که فرصتی پیش خواهد آمد که خروج بول یا غائط در آن فرصت، خفیف تر خواهد بود، صبر کند تا در آن فرصت نمازش را بخواند، بلکه با احتمال آن فرصت نیز احتیاط واجب این است که صبر کند و در آن فرصت که احتمال می دهد خروج بول یا غائط خفیف تر باشد، نمازش را بخواند، لکن اقوی این است که صبر کردن واجب نیست.

در ابتدای بحث دائم الحدث عرض شد که اگر مسلوس یا مبطون می داند که فرصتی برای او پیش می آید که می تواند در آن فرصت، نمازش را با طهارت بخواند، واجب است که در آن فرصتی که پیش می آید وضو بگیرد و نمازش را با طهارت بخواند و عرض شد که فرق نمی کند که آن فرصتی که پیش آمده است در اول وقت باشد یا در وسط وقت یا در آخر وقت باشد.

آنچه در ابتدای بحث دائم الحدث در رابطه با فرصتی که برای مسلوس و مبطون پیش می آید، عرض شد با آنچه در مسأله مورد بحث (مسأله ۶۳۴) به آن اشاره شد متفاوت است چون در مسأله مورد بحث، مسلوس یا مبطون علم به فرصت موسع ندارد، بلکه احتمال می دهد که فرصتی برای او پیش خواهد آمد که می تواند در آن فرصت محتمل، نمازش را با طهارت بخواند، مرحوم سید (ره) فرموده است که در این صورت، احتیاط [واجب] این است که مسلوس یا مبطون صبر کند و در آن فرصتی که پیش می آید نمازش را با طهارت بخواند.

به نظر می رسد که دلیل بر احتیاط و صبر وجود ندارد بنابراین، مسلوس یا مبطون می تواند به خواندن نماز مبادرت ورزد، بلکه می تواند نمازش را بر زمان آن فرصت محتمل مقدم بدارد و قبل از آن بخواند چون شخص اکنون مسلوس و مبطون است و عذر دارد و استصحاب بقاء عذر تا آن فرصت محتمل، جاری می شود و در نتیجه نمازش را بر اساس وظیفه مسلوس و مبطون می خواند، لکن اگر بعد از اینکه نمازش را خواند، کشف شود که او بر خواندن نماز با طهارت در فرصت پیش آمده، قادر است، نمازش را اعاده می کند و دوباره با طهارت می خواند چون در بحث اجزاء آمده است که حکم ظاهری مجزی از حکم واقعی نیست لذا با توجه به اینکه مأمور به واقعی این بوده است که شخص نمازش را با طهارت بخواند، اکنون که برای شخص مشخص شده است که قادر بر خواندن نماز با طهارت است، باید نمازش را اعاده کند و با طهارت بخواند، مثل اینکه شخص مسلوس به خواندن نماز مبادرت ورزد و به احتمال فرصت موسع ترتیب اثر ندهد، ولی بعد از آن که نماز را خواند فرصت موسع برایش پیش آمد که

می‌تواند در آن فرصت، نمازش را با طهارت بخواند، در این صورت نمازی را که خوانده است مجزی نیست و باید دوباره وضو بگیرد و نمازش را با طهارت بخواند.

در رابطه با سایر صاحبان عذرهای بنا بر این که ملاک در صاحبان عذرهای، عذر مستوعب باشد مطلب از همین قرار است، یعنی اگر عذر صاحبان عذرهای مستوعب باشد و تمام وقت را فرا می‌گیرد، صاحب عذر می‌تواند عملش را بر طبق تکلیف معذور انجام بدهد. البته در رابطه با تیمم، شخص باید نمازش را به تأخیر اندازد و در تنگی وقت با تیمم بخواند و نمی‌تواند در اول وقت به خواندن نماز مبادرت ورزد.

اما فرصت غیر موسع که از آن به فرصت أخف تعبیر شد، یعنی شخص یا علم دارد یا احتمال می‌دهد که در فلان ساعت، بیرون آمدن بول یا غائط خفیف‌تر و کمتر است، در این صورت طبق فرمایش مرحوم سید (ره)، احتیاط واجب این است که شخص صبر کند و در فرصت مورد نظر که خروج بول یا غائط خفیف‌تر است نمازش را بخواند، لکن نظر مختار این است که در این فرض صبر لازم نیست و شخص می‌تواند به خواندن نماز مبادرت ورزد، چه علم داشته باشد که بعداً فرصتی پیش خواهد آمد که خروج بول یا غائط در آن فرصت، خفیف‌تر خواهد بود و چه احتمال بدهد که فرصتی ایجاد خواهد شد که خروج بول یا غائط خفیف‌تر خواهد بود چون در بحث دائم الحدث گفته شد که مسلوس و مبطون اگر فرصت موسع نداشته باشند، می‌توانند با وضوی واحد نمازهای متعدد بخوانند و بر اساس این مبنا، مسلوس و مبطون متطهرند، مگر اینکه حدث دیگری مثل نوم و امثال آن برای آنها پیش بیاید یا بول و غائط متعارف از آنها خارج شود. بنابراین، نیازی به صبر کردن نیست تا بول یا غائطی که شدید است، خفیف شود و سپس نماز بخواند، بلکه صبر نیاز نیست و شخص مسلوس یا مبطون می‌تواند به خواندن نماز مبادرت ورزد.

مرحوم سید (ره) در پایان مسأله مورد بحث (مسأله ۶۳۴) فرموده است که أقوى این است که صبر کردن واجب نیست، بنابراین، شخص مسلوس یا مبطون می‌تواند به خواندن نماز مبادرت ورزد و صبر کردن لازم نیست.

به تعبیر دیگر، وظیفه شخص مسلوس یا مبطون اتیان نماز با وضوی واحد است و فرقی نمی‌کند که آن نماز را در اول وقت یا در وسط وقت یا در آخر وقت بخواند چون حدث مسلوس و مبطون، ناقض طهارت او نیست، در نتیجه نجاست بول و غائط نیز برای نماز مسلوس و مبطون مانعی ندارد، بنابراین، لازم نیست که خواندن نماز تا زمانی که خروج بول یا غائط خفیف‌تر شود به تأخیر افتد چون دلیلی بر این تأخیر نیست و وقتی در صورت علم به فرصتی که خروج بول یا غائط در آن فرصت خفیف‌تر است، تأخیر لازم نیست، به طریق اولی در صورت احتمال چنین فرصتی، تأخیر لازم نخواهد بود.

مسأله ۶۳۵: «إذا اشتغل بالصلاة مع الحدث باعتقاد عدم الفترة الواسعة و في الأثناء تبين وجودها قطع الصلاة و لو تبين بعد الصلاة أعادها»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص مسلوس یا مبطون؛ در حالی که حدث از او خارج می‌شود و به اعتقاد اینکه فرصتی پیش نخواهد آمد که بتواند در آن فرصت نماز را با طهارت بخواند، مشغول نماز خواندن شد و در اثناء نماز خواندن، وجود آن فرصت برای او روشن شد باید نمازش را قطع کند و اگر بعد از اینکه نماز را خواند وجود آن فرصت برای او روشن شد باید نمازش را اعاده کند و دوباره بخواند.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۵.

دلیل حکم مذکور، مبنی بر لزوم قطع نماز در هنگامی که در اثناء نماز خواندن، برای شخص روشن شود که فرصتی پیش خواهد آمد که می‌تواند نمازش را در آن فرصت با طهارت بخواند و همچنین، دلیل لزوم اعاده نماز در فرضی که شخص مسلوس یا مبطون نمازش را با حدث بخواند و معتقد باشد که فرصتی برای خواندن نماز با طهارت پیش نخواهد آمد، ولی بعد از نماز برای او روشن شود که فرصتی برای خواندن نماز با طهارت پیش خواهد آمد، این است که چون شخص مسلوس یا مبطون قادر است که نمازش را در وقت با طهارت بخواند لذا باید نمازش را بشکند و در فرصت مورد نظر، نمازش را با طهارت بخواند، همچنین، اگر نماز را خوانده باشد آن را اعاده کند و دوباره بخواند چون مأمور به حکم ظاهری از مأمور به امر واقعی مجزی نیست لذا شخص باید مأمور به واقعی را که اتیان نماز با طهارت است، انجام بدهد.

«الحمد لله رب العالمین»